

مدینه منوره فضایل آن



دیزاین: الحاج سلیه عابد پیمان سویدن

۱۳۹۴



www.masjed.se

تتبع ونگارش :
الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »
مدیر مرکز مطالعات ستراتیژیکی افغان
و مسئول مرکز فرهنگی د حق لاره - جرمنی

مدینه منوره و فضایل آن

بسم الله الرحمن الرحيم مدینه منوره وفضایل آن

خواننده معزز و محترم!

آرزو و نیت مخلصانه داشتیم که نکاح پسر ارشدم احمد جان « سعیدی » را در بیت الله شریف و آنهم در حرم شریف انجام دهیم. لذا به قصد عمره و تحقق این آرزوی زندگی خود و فرزندم با تمام فامیل که امکانات سفر داشت، بتاريخ 4 اپریل سال 2012 م به جانب مدینه منوره به سرزمین وحی حرکت کردیم.

بعد از ادای بخش از مراسم عمره به مقصد عقد نکاح ارجمندام، همانطوریکه آرزو داشتیم، داخل حرم شریف و آنهم رو بروی حطیم و در صحن کعبه شریفه حضور به هم رسانیدیم و مراسم عقد نکاح حضورى به لطف و مرحمت الهی به صورت و وجه بهتر و احسن اجرا شد. از پروردگار با عظمت خویش سپاس گزار هستیم و تمنا داریم که این وصلت و وصلت بی بی عایشه و حضرت رسول اکرم صلی الله علیه وسلم، و وصلت پُر ثمر و با محبت و در سایه یکدیگر به خیر زنده گی با سعادت داشته و فرزندان صالح و خدمت گار به وطن، خاک، مردم و امر اسلام بدنیا تقدیم بدارند.

درین راستا خواستم خوشی های خویش را با شما شریک ساخته و آنچه میتواند ممد، مشوق، رهنمایی، ترغیب برای دیگران باشد، با شما این نوشته را در میان گذاشته، به شما هدیه نموده و برای هر مسلمان زیارت بیت الله و مدینه منوره را از بار گاه ایزد متعال تمنا کنم.

مدینه منوره :

مدینه در عربی شهر را گویند و یثرب نام تاریخی این شهر مهم در جهان در طول تاریخ موجودیت خویش میباشد. مدینه یا مدینه النبی، که آنرا بزبان عربی (المدینه المنوره) میگویند یکی از شهرهای مشهور و مهم فعلی کشور عربستان سعودی نیز بشمار میرود. شهر مدینه بطرف شمال ریاض در میان ریاض و در میان نجد موقعیت دارد. آب و هوایی شهر مدینه خشک و بیابانی با تابستانهای داغ و زمستانهای سرد همرا است. شهری مدینه بعد از هجرت پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم به مدینه النبی (شهر پیامبر) شهرت یافت، پیامبر صلی الله علیه وسلم در اولین شب ربیع الاول سال 14 بعثت به شهر « یثرب » که ۴۲۰ کیلو متر از مکه مکرمه فاصله دارد، مهاجرت نمود، این تاریخ سرآغاز تاریخ مسلمانان (تاریخ هجری)، بشمار میرود.

حکمت بزرگ که درین راستا الهام دهنده برای تمام مسلمانان بوده میتواند این است که پیامبر اسلام به شهر یثرب (مدینه منوره) زمانی آغاز به مهاجرت کرد، که در آن شهر گروهی از مسلمانان نظم و سازمان و اداره را قبلاً ایجاد کرده بودند و حضرت پیامبر اسلام محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم با مهاجرت خویش و رسیدن به مدینه منوره سنگ بنای حاکمیت اسلامی را خود گذاشت. به این ترتیب گفته میتوانیم که پیامبر اسلام بعد از بعثت هیچگاهی تحت حاکمیت غیر اسلامی زنده گی نه کرده است.

در این هیچ جای شک نیست که مکه مکرمه یکی از بهترین و محبوبترین سر زمین نزد پروردگار است و دارای برتری ها و فضایی، نسبت به شهر مدینه منوره و سایر شهر ها و سرزمین های جهان میباشد.

در روایت اسلامی آمده است: زمانیکه پیامبر صلی الله علیه وسلم را کفار مکه مجبور به ترک خانه و کاشانه خویش در مکه نمود، آنحضرت صلی الله علیه وسلم خطاب به سرزمین مکه گفت: « والله انک لخیر أرض الله وأحب أرض الله إلی الله، ولو لا أني أخرجت منک ماخرجت » (به الله

مدینه منوره و فضایل آن

قسم یاد مینمایم که تو بهترین زمین پروردگار هستی، و بهترین و محبوبتری زمین الله در نزد پروردگاری، و اگر من از آن اخراج نمی شدم هرگز از تو بیرون نمی رفتم (راوی حدیث ترمذی و ابن ماجه است و حدیث صحیح است).

شهر مدینه که بنام شهر وحی شهرت دارد از جمله شهر های مقدس و مبارکی جهان بوده، و پروردگاری با عظمت ما این شهر را، بحیث سرزمین امن قرار داده است :
در حدیثی مبارکی آمده که پیامبر صلی الله علیه وسلم در خطاب به مدینه میفرماید :
« ان ابراهیم حرم مکه، وانی حرمت المدینه » (صحیح مسلم) (ابراهیم علیه وسلم مکه را حرم قرار داد و من مدینه را حرم قرار می دهم).

هدف از نسبت حرمت به ابراهیم و محمد علیهما السلام اظهار حرمت است و الا عین تحریم با حرمت از جانب ذات پروردگار است، اوست که مکه مکرمه و مدینه منوره را حرم قرار داده است و از میان تمام شهر های جهان خداوند متعال فقط این دوشهر را به این صفت عالی اختصاص داده است.
هدف از حرم مکه و مدینه همان حدود حرم است، اینکه برخی از مردم فقط مسجد نبوی را حرم بحساب میاورند، در اشتباه اند، زیرا مسجد نبوی به تنهایی حرم نیست بلکه تمام شهر مدینه حرم است.

طوریکه در حدیث متبرکه آمده است:

« المدینه حرم مابین غیر الی ثور » (صحیح المسلم و صحیح بخاری) از کوه غیر در جنوب تا کوه ثور در شمال، و هر دو طرف این شهر یعنی شرق و غربی مدینه حرم شمرده میشود :
مؤرخین مینویسند که:

تقدس و حرمت شهر مدینه به درجه ای میرسید که پیامبر صلی الله علیه وسلم حتی شکار و قطع در ختان مدینه را هم ممنوع قرار داد و فرمود : « انی حرمت مابین لابتی المدینه ان یقطع اعضاها او یقتل صیدها » (من دو طرف مدینه حرم قرار دادم، که میادا درخت آن قطع شود یا شکارش کشته شود) (صحیح مسلم).

مدینه منوره مرکز ایمان است:

همانطوریکه به مدینه منوره سر زمین وحی خطاب گردیده است، این شهر به شهر ایمان نیز در بین مسلمانان شهرت دارد در فضیلت ایمانی این شهر آمده است « ان الایمان لیارز الی المدینه کما تأرز الحیه الی جحرها » (یقیناً ایمان به مدینه باز خواهد گشت هم چنانکه مار به سوراخش باز میگردد) (صحیح بخاری و صحیح مسلم)

این بدین معنی است که سر انجام ایمان به مدینه باز خواهد گشت و در مدینه باقی خواهند ماند و مسلمانان از سراسر جهان قصد و عزم سکونت را در مدینه را خواهند داشت.

شهر مدینه شهر هجرت است:

شهر مدینه شهر هجرت و محل امن از جانب پروردگار برای پیامبر صلی الله علیه وسلم انتخاب گردید است، شهر مدینه یگانه شهری و یا هم یگانه سرزمینی در روی زمین است که پیامبر صلی الله علیه وسلم مامور به هجرت به آن گردیده است .
در حدیثی شریف آمده است :

« أمرت بقریة تأکل القرى » (یعنی امر با هجرت الی هذه المدینه) یقولون لها یثرب و هی المدینه « (بمن دستور داده شد به قریه ای هجرت کنم که سایر قریه ها را خواهد خورد، مردم آنرا یثرب می نامند، در حالیکه مدینه است. » (صحیح بخاری و مسلم).

شهر مدینه شهر برکت است:

در این شک نیست که شهر مدینه آبوهوایی خشک و بیابانی دارد ولی در تابستان های داغ و ما های زمستان به هوای سردی همراه است. ولی پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد تزیید برکت شهر مدینه طی دعای فرموده :

مدینه منوره و فضایل آن

« اللهم بارک لنا فی ثمرنا وبارک لنا فی صاعنا وبارک لنا فی مدنا » (پروردگارا ! در میوه ما برکت عنایت فرما ، در شهر ما (مدینه) به ما برکت عنایت فرما ، ودر پیمانۀ ما برکت عنایت فرما) (صحیح مسلم) .

شهر مدینه چنان شهر با عظمت و پر برکت است که ، مرض و دجال قدرت داخل شدن و نفوذ به این شهر را نمی یابد .

طوریکه پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده : « علی أنقاب المدینة ملائكة لا يدخلها الطاعون ولا الدجال » (بر راههای ورودی مدینه فرشتگانی ما مورند که از آن حفاظت می کنند لذا دجال و وبا به مدینه داخل شده نمیتواند) (صحیح بخاری و صحیح مسلم)

یکی دیگری از فضایل این شهر مدینه در اینست که در این شهر دو مسجدی بزرگی دو مسجد تاریخی (هر یک مسجد نبوی و مسجد قباء .) موقعیت دارد .

پیامبر صلی الله علیه و سلم حتی بر مسلمانان امر سفر به مساجد سه گانه را داده است که یکی از این مساجد ، مسجد نبوی است :

در حدیثی که از ابي هريرة رضي الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه و سلم فرموده : « لا تشد الرحال إلا إلى ثلاثة مساجد: المسجد الحرام، ومسجد الرسول صلی الله علیه و سلم، ومسجد الأقصى » (سفر مخصوص به نیت عبادت جز به سه مسجد به هیچ جای دیگری جایز نیست ، مسجد الحرام ، مسجد پیامبر صلی الله علیه و سلم و مسجد اقصی)

فضیلت مسجد نبوی در این است شخص پیامبر صلی الله علیه و سلم در کار اعمار این مسجد سهم گرفته ، و خطاب به مسلمانان فرموده است که ثواب خواندن نماز در مسجد نبوی بر تر از هزار نماز در غیر آن است :

« صلاة في مسجدی أفضل من ألف صلاة في ما سواه إلا المسجد الحرام و صلاة في المسجد الحرام أفضل من مائة ألف صلاة فيما سواه » (حدیث صحیح بخاری ، صحیح مسلم) (یک نماز در این مسجد من بهتر از هزار نماز در غیر آن است به و خواندن نماز در مسجد حرام بهتر از صد هزار نمازی در مسجدی دیگر است .)

بنابراین هر یک فر دمسلمان حریت تام داده شود، تادر خواندن نماز در مساجد ثلاثة مسافرت ، و در صورت زیارت از این مساجد برای آخرتش از آن بهره ببرند .

خواهران و برادران مسلمان!

فراموش نباید کرد که در مسجد نبوی قطعه زمین است که : رسول الله صلی الله علیه و سلم آنرا بنام باغی از جنت (روضه الجنة) توصیف نمودند، و فرموده است : (ما بین بیتی و منبری روضة من ریاض الجنة) « بین خانه و منبر من باغی از باغهای جنت است »

یک نماز بهتر از هزار نماز است .

همانطوریکه گفته آمدیم ، شهر مدینه از جمله سایر فضایی که دارا میباشد یکی از فضایل اش اینست، که یک نماز در مسجد نبوی بهتر از هزار نماز است .

« صلاة في مسجدی هذا افضل من ألف صلاة في ما سواه إلا المسجد الحرام » (يك نماز در این مسجد من بهتر از هزار نماز در غیر آن است به جز مسجد الحرام) . (صحیح بخاری و صحیح مسلم) .

پس بر یک مسلمان است که از این فضیلت بزرگ و فرصت بسیار ارزشمندی ، زمانی که در شهر مدینه منوره زندگی و یا هم اقامت دارد ، برای آخرتش از آن بهره بگیرد و حد اکثر استفاده را بعمل آرد . فضیلت نماز ده برابر و نه صد برابر بلکه بیش از هزار برابر است .

نمازهای نوافل در مسجد نبوی :

فراموش نباید کرد که : نه تنها فضیلت نماز های فرضی بلکه فضیلت نماز های نفلی نیز به هزار بار برابر است . علماء در تعریف و تفسیر این حدیث شریف که : (يك نماز در این مسجد من بهتر

مدینه منوره و فضایل آن

از هزار نماز در غیر آن است به جز مسجد الحرام) چنین میفرمایند :
اول:

اجر و پاداش نماز در مسجد شریف نبوی که به بیش از هزار برابر می رسد ، تنها و تنها به نماز های فرضی اختصاص نه یافته ، بلکه نماز های نفلی را نیز شامل میگردد . پیامبر صلی الله علیه و سلم در حدیث متبرکه لفظ «صلاة» را استعمال نموده است ، پس همانطوریکه نماز فرض برابر با هزار نماز است يك نماز نفل نیز برابر با هزار نماز میباشد .
دوم:

اجر هزار برابر در حدیث متذکره به خود مسجد پیامبر صلی الله علیه و سلم یعنی صرف و صرف به مسجد قدیم اختصاص ندارد ، بلکه اجر هزار برابر شامل مسجد قدیم و ساحه توسعه یافته مسجد که حالا وجود دارد و یادگار آینده توسعه داده میشود ، شامل میگردد .
دلیل این امر اینست که مسجد نبوی در زمان خلافت حضرت عمر و حضرت عثمان از طرف جلو یعنی قبله توسعه و انکشاف داده شده است .

بنابر این چیز واضح است که امام و صفهائی مصلین در بخش پیشروی مسجد که در توسعه واقع است خارج مسجد زمان خود حضرت محمد صلی الله علیه و سلم قرار میگیرد ، اگر توسعه مسجد حکم مسجد را نمی داشت آن دو خلیفه راشد رضی الله عنهما مسجد شریف را بخصوص از طرف جلو توسعه نمی دادند ، در حالیکه هنگام توسعه که در زمان حضرت عمر فاروق و حضرت عثمان ذی النورین رضی الله عنهما صورت پذیرفت و تعداد کثیر از صحابه رضی الله عنهم زنده و موجود بودند ، اما هیچکس از آنان بر این کار حضرت عمر و حضرت عثمان رضی الله عنهما اعتراض نکرد ، عدم اعتراض صحابه بر توسعه مسجد نبوی دلیل روشن و قاطع است که اجر هزار برابر به مسجد زمان حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم اختصاص ندارد .
سوم :

موجودیت باغی از جنت در مسجد نبوی :

همانطوریکه متذکر شدیم یکی از فضیلت های مهم در مسجد نبوی شریف موجودیت قطعه یا بخشی از توتاه زمینی است که : پیامبر صلی الله علیه و سلم آن توتاه زمین را بنام باغی از جنت توصیف نمودند ، و فرموده است : « مَا بَيْنَ بَيْتِي وَمِنْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ » (رواه البخاري (1196) و مسلم (1391)) « بین خانه و منبر من باغی از باغهای بهشت است) طبیعی است که اختصاص این بخش مشخص از مسجد شریف به این صفت دلالت بر فضیلت و اختصاص این بخش دارد ، و راه استفاده از این فضیلت این است که بنده مؤمن سعی و کوشش عظمی خویش بخرچ دهد تا در قطعه از زمین نماز نفل بخواند و به ذکر الله و تلاوت قرآن مشغول شود .

مسلمانان باید از یاد نبرند ، که رسیدن به این منطقه و یا نشستن و نماز خواندن در این منطقه موجب آزار و اذیت سایر مسلمانان واقع نگردد .

ولی نباید فراموش کرد که : اداء کردن نماز های فرض در صف اول بهتر است ، زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم می فرمایند : « خیر صفوف الرجال أولها و شرها آخرها » (بهترین صفهای مردان صفهای اول و بدترین آن صفهای آخر است) . (صحیح مسلم) .
و همچنین می فرمایند :

« لو يعلم الناس ما في النداء و الصف الأول ثم لم يجدوا إلا أن يستهموا عليه لأستهموا عليه » (اگر مردم اجر و پاداش اذان و صف اول را بدانند آنگاه ببینند که برای حصول آن جز قرعه کشی راهی وجود ندارد حتما قرعه کشی خواهند کرد) . (صحیح بخاری و صحیح مسلم) .

چهارم:

یک نقطه ای دیگری که میخواهم در این بخش مورد خدمت خوانندگان محترم بعرض برسانم اینست

مدینه منوره و فضایل آن

که در زیاتر وقت تعداد مصلین به حدی میرسد که مسجد نبوی از مصلین پر میباشد و جای برای مصلین باقی نمی ماند، (بخصوص در ایام حج)، اگر صفوف مصلین در مسجد نبوی پر شود و کسی دیرتر برسد و در مسجد جای نیافت، در هر جایی که در خارج از مسجد جز طرف قبله توانست به صفوف نمازگزان بپیوندد، و کوشش نه کند که بخاطر رسیدن به داخل مسجد موجب ازار و تکلیف سایر مصلین واقع گردد.

طبیعی که اگر نماز گزار به صفوف مصلین در خارج مسجد نبوی پیوست در این صورت اجر و پاداش نماز جماعت را حاصل میکند، اما اجر و پاداش هزار نماز یا هزار برابر فقط به کسانی اختصاص دارد که داخل مسجد نبوی نماز بخوانند، زیرا پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمودند:

«صلاة في مسجدي هذا خير من ألف صلاة فيما سواه إلا المسجد الحرام»

«يك نماز» در این مسجد من» بهتر از هزار نماز در غیر آن است به جز مسجد الحرام» پس کسی که در سرک های جوار مسجد نبوی نماز بخواند واضح است که در مسجد نماز نخوانده بناً اجر و پاداش مذکور به او تعلق نمی گیرد.

زیارت قبر رسول الله:

مدینه منوره شهر است که در آن حبیب الله محمد صلی الله علیه و سلم مدفون است. در روایت آمده است که امام مالک در شهر مدینه بر اسب سوار نمیشد، میگفت بر خود عیب می بینم که در زیر خاک این سرزمین حبیب الله محمد صلی الله علیه و سلم مدفون باشد و من بالای خاک این سر زمین با اسب گردش کنم.

علماء در مورد زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه و سلم میفرمایند:

احادیثی که عموماً بر زیارت قبور دلالت دارد، بر زیارت قبر رسول مکرم صلی الله علیه و سلم نیز دلالت دارد:

از جمله در حدیث پیامبر صلی الله علیه و سلم آمده است: «زوروا القبور، فإنها تذكركم الآخرة» (قبرها را زیارت کنید که شما را به یاد آخرت می اندازد). (صحیح مسلم).

بیادداشت:

قابل تذکر است که در کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و سلم زیاد ایستادن، و کثرت تردد و رفت و آمد عمل شایسته نیست، مبدا انسان دچار غلو افراط گردد، از خصوصیات پیامبر بزرگوارمان صلی الله علیه و آله و سلم این است که خداوند فرشتگانی را مکلف کرده که سلام امت را هر جایی که باشند به ایشان می رسانند، چنانکه رسول معظم صلی الله علیه و آله و سلم می فرمایند:

(إن لله ملائكة سياحين يبلغوني عن أمتي السلام) «خداوند فرشتگان سیاری دارد که سلام امت مرا به من می رسانند».

در حدیث دیگری می فرمایند:

(لا تجعلوا بيوتكم قبورا، و لا تتخذوا قبوري عيدا، و صلوا عليّ فإن صلاتكم تبلغني حيث كنتم) «خانه خود را قبرستان، و قبر مرا جایی جشن و شادی قرار ندهید، و بر من درود بفرستید، که درود شما هر جایی که باشید به من می رسد» (حدیث صحیح است. ابوداود و غیره آنرا نقل کرده اند.) رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم وقتی از این چیز نهی فرمودند تا مبدا قبرشان محل جشن و شادی قرار گیرد به عملی راهنمایی فرمودند که جایگزین شادی و سرور قرار گیرد، لذا فرمودند: (و صلوا عليّ فإن صلاتكم تبلغني حيث كنتم) «و بر من درود بفرستید که درود شما هر جایی باشید به من می رسد». یعنی به وسیله فرشتگان.

خواننده محترم!

همچنان اگر زیارت قبرستان بقیع و زیارت قبور شهدای جنگ احد اگر طبق سنت پیامبر صلی الله علیه و سلم انجام گیرد مستحب، و اگر به صورت بدعت انجام گیرد حرام و ناجایز است. پس زیارت شرعی زیارتی است که مطابق با سنت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم انجام

مدینه منوره و فضایل آن

گیرد که در این صورت هم زنده ای که زیارت میکند از زیارتش استفاده میکند و هم مرده ای که زیارت می شود از دعا اش استفاده میبرد.

فوائد زیارت قبور:

بنده مسلمانیکه زمان قصدی زیارت قبور را داشته باشد ، باید از زیارت خویش سه استفاده رابعمل آرد .

اول:

به یاد آوردن مرگ که حکمت اصلی زیارت قبر است، چون وقتی قبر را ببیند حتما به یاد آخرت می افتد و با انجام اعمال صالح برای آن آمادگی میگیرد، لذا رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمودند: « **زورا القبور، فإنها تذكركم الآخرة** » «قبرها را زیارت کنید که شما را به یاد آخرت می اندازد». صحیح مسلم.

دوم:

عمل زیارت، که يك سنت رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم است و با انجام آن به زائر اجر و پاداش داده می شود.

سوم:

احسان به مسلمانانی که مرده اند، زیرا که با دعای خیر برای آنان، در برابر این احسان و عمل نیکش اجر و پاداش میگیرد.

استفاده مرده ای که زیارت می شود از زیارت شرعی این است که برایش دعا می شود و به او احسان و نیکی می شود، زیرا مردگان از دعای زندگان بهره می گیرند.

در زیارت قبور چه باید کرد؟

هر کسیکه به زیارت قبر میرود ، مطابق سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم ، باید رفتار نماید در قدم نخست دعاهایی که از رسول الله صلی الله علیه وسلم ثابت شده برای میت به دعا پردازد . از جمله این دعا ها ، دعای است که از حدیث بریده بن الحصیب رضی الله عنه که فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه وسلم وقتی به قبرستان می رفتند به آنها می آموخت، لذا هر کس به زیارت قبر می رفت چنین می گفت:

« السلام علیکم أهل الدیار من المؤمنین والمسلمین و انا انشاء الله بکم للاحقون، أسأل الله لنا و لکم العافیة» (ای مؤمنان و مسلمانانی که در این دیار خفته اید سلام بر شما باد، و ما هم به شما خواهیم پیوست، برای خود و برای شما از خداوند عافیت و سلامتی می طلبم) (صحیح مسلم).

آیا زیارت قبر بدعت است؟

بلی وبدون شک ، آن نوعی از زیارت قبر بدعت و نادرست است که این زیارت مطابق شریعت اسلامی ومطابق سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم صورت نگیرد.

بطور مثال زیارت قبور نه بخاطر دعا به حالا مردگان بلکه زیارت قبور به نیت که مردگان را به فریاد رسی بخواند، و از آنان کمک بخواهد، و رفع مشکلات و برآوردن حاجتها و نیازهایش را از آنان خواستار شود، و کارهای نادرست ، و ناروا میباشد و دیگر.

اینگونه زیارت نه تنها نفعی برای زائرین قبور ندارد ، بلکه عمل بدعتی و در نهایت امر ، حرام ومضر هم میباشد . نه تنها زائر بلکه صاحب قبر از این زیارت خیری نمی بیند .

ضرر زائر یا شخص زیارت کننده به این دلیل است، که زیارت و عمل مطابق شرع صورت نگرفته است .

زائر قبل از اینکه به دعا مطابق سنت پیامبر صلی الله علیه وسلم مشغول شود ، دست به فریاد و داد رسی میزند .

عریضه وحاجت خویش را بجای اینکه به خالق پیش کند ، بالعکس آنرا به مخلوق پیش میکشد

مدینه منوره و فضایل آن

و در این عمل خویش خود آگاه و یا ناخود آگاه اعمال مشرکانه و احياناً نعوذ بالله شرك صريح به خداوند متعال از ایشان صادر میشود.

که طبیعی است که مرده از چنین زیارتی هیچگونه فایده ای نمی برد ، چون نه تنها برای او دعا نشده ، بر عکس از او به جایی خداوند حاجت و نیاز خواسته شده که چنین عملی قطعاً حرام و نادرست.

حکم زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه وسلم در مدینه :

قبل از همه باید گفت که : زیارت قبر رسول الله صلی الله علیه وسلم و یا رفتن به مسجدالنبی هیچکدام جزو اعمال حج یا عمره نیستند، و اگر کسی به این دو مکان نرفت حجتش باطل نمی شود، چرا اصلاً ربطی به هم ندارند..

اما با این وجود زیارت مسجد پیامبر صلی الله علیه وسلم جایز است، و می توان به قصد زیارت آن مسجد و خواندن نماز در آنجا به شهر مدینه سفر کرد تا از فضیلت نماز خواندن در آن مسجد بهره مند شد، ولی اگر کسی قصد کند تا فقط به نیت زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه وسلم به مدینه سفر کند، سفر او حرام است، زیرا پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند:

(لاتشذ الرحال إلا إلی ثلاثة مساجد: مسجدی هذا، و مسجد الحرام، و مسجد الأقصی) «(به قصد زیارت) بار و اثاث (سفر) بسته نمی شود مگر به قصد سه مسجد، این مسجد من (مسجدالنبی)، مسجدالحرام و مسجدالأقصی». متفق علیه

بر طبق این حدیث؛ قصد سفر برای زیارت فقط برای مسجد جایز است نه پارگاه یا قبر شخصی یا امثال آنها، و آن مساجد هم شامل هر مسجدی نمی شوند، بلکه فقط سه مسجد (مسجدالنبی و مسجدالحرام و مسجدالأقصی) برای سفر بدانها تعیین شده اند، بنابراین کسی نمی تواند به قصد زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه وسلم و یا شخص صالحی و یا مسجدی مانند مسجد فلانی که مشهور شده و یا هر مکان دیگری بار سفر ببندد.

اما اگر کسی به قصد زیارت مسجد پیامبر صلی الله علیه وسلم و بهره مند شدن از فضیلت نماز خواندن در آن مسجد به شهر مدینه سفر کند، او می تواند تا ضمن خواندن نماز در آن مسجد، سری هم به قبر رسول خدا صلی الله علیه وسلم بزند و آنرا زیارت کند، زیرا هدف او از سفر به مدینه در حقیقت زیارت قبر نبوده تا بگویم مرتکب نیت و قصد حرامی شده، بلکه او به قصد زیارت مسجد پیامبر صلی الله علیه وسلم به مدینه رفته و چون قصدش زیارت قبر نبوده، پس مرتکب حرام نشده و می تواند به زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه وسلم هم برود، زیرا زیارت قبور مسلمانان (اگر توأم با سفر کردن نباشد) جایز و بلکه مستحب است، و آنچه که زیارت قبور را حرام می کند؛ سفر کردن به نیت زیارت قبر است و یا انجام منکراتی از قبیل تبرک جستن به قبر یا خاک آن و یا توسل جستن به صاحب قبر و یا طواف آن و یا نذر کردن برای صاحب قبر و از این قبیل منکرات است که زیارت قبور را حرام می کند، وگرنه اگر کسی به قبرستان محله خویش برود و در آنجا برای مردگان دعای آمرزش کند، عمل او جایز بوده و منع شرعی ندارد، چرا که دیدار قبر مردگان موجب یادآوری مرگ و آخرت می شود و مطمئناً این یادآوری برای عاقلان مفید خواهد بود.

در حدیثی آمده است که پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرمایند: « **إني كنت نهيتكم عن زيارة القبور، فزوروها، فإنها تذكركم الآخرة...** » صحیح مسلم (6/53، 82/6) و أبو داود (2/131، 72).

یعنی: « رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند: قبلاً شما را از زیارت قبور نهی می کردم ولی الان آنها را زیارت نمایید، چرا که آنها شما را بپای آخرت می اندازند ..

علما (انمه اربعه و جمهور علماء) در مورد زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه وسلم میفرمایند :

«کسیکه اهل مدینه نیست و قصد او فقط زیارت قبر پیامبر است، مرتکب حرام شده است بلکه

بایستی قصد از سفر ، زیارت مسجد پیامبر و نماز خواندن در آنجا باشد تا فضایل نماز در

مسجدالنبی را بدست آورد. البته در هنگام ایام حج چون هدف در حقیقت زیارت خود مسجد پیامبر بوده نه قبر ایشان، لذا ایرادی ندارد که در آن ایام به زیارت قبر پیامبر نیز رفت به شرطیکه زیارت

مدینه منوره و فضایل آن

طبق تعریف شرع باشد و خلاف در آن رخ ندهد». (برگرفته از مجموع الفتاوی ابن تیمیه ۲۶/۲۷)

و زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه وسلم به اتفاق اهل اسلام مشروع است، به شرطیکه:

- ۱- امور خلاف شرع و شرک آلود انجام نشود.
 - ۲- بدون انجام مسافرت بوده باشد. یعنی فقط به نیت زیارت قبر پیامبر به مدینه مسافرت نکرده باشیم.
- البته باز این نکته مهم را تذکر می دهیم که زیارت قبر پیامبر در موارد زیر جایز است:
- ۱- برای اهل مدینه.
 - ۲- برای کسانی که به حج آمده اند و هدفشان در حقیقت برگزاری موسم حج بوده.
 - ۳- کسی که قصد زیارتش، زیارت مسجدالنبی بوده تا از فضایل نماز خواندن در آنجا برخوردار شود.
 - ۴- کسی که هم قصد زیارت مسجدالنبی را داشته باشد و هم قصد زیارت قبر پیامبر (یعنی همزمان هر دو قصد را کرده باشد و لذا به مدینه سفر کرده است) این هم جایز است.
 - ۵- کسی که به قصد تجارت یا قصد تعلیم ساکن مدینه شده باشد که در اینصورت چون هدفش از آمدن به مدینه زیارت قبر نبوده، لذا زیارت مسجدالنبی و قبر پیامبر برایش مستحب است.

آنچه که معصیت است:

اینکه شخصی ساکن شهر مدینه نباشد و- فقط - به نیت زیارت قبر پیامبر بدانجا مسافرت کرده باشد، زیرا چنانکه گذشت پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: « لا تشد الرحال إلا إلى ثلاثة مساجد : مسجدي هذا ، والمسجد الحرام ، والمسجد الاقصی». بخاری و مسلم یعنی: « مسافرت نکنید مگر به سوی سه مسجد: مسجد من، و مسجدالحرام و مسجدالاقصی». بر طبق این حدیث مسافرت نمودن به قصد عبادت و تبرک به هیچ مکانی مقدس جایز نیست - چه این مکان قبور اولیاء باشد یا مساجد - الا و فقط سه مسجد ذکر شده در حدیث. با وجود این زیارت قبر پیامبر واجب نیست.

امام صنعانی رحمه الله در فتح العلوم جلد اول صفحه ۳۱۰ مینویسد: « در احادیث وارده درباره فضیلت زیارت قبر رسول الله صلی الله علیه وسلم، امر به «سفر برای زیارت» نشده است. و احادیثی که امر به سفر نموده یا ضعیف و غیرقابل استنادند و یا دروغ هستند. در ادامه می گویند: اکثر مردم تفاوت بین « خود زیارت» و « سفر برای زیارت» را درک نمی کنند. منظور جناب شیخ اینست که احادیثی که فضیلت زیارت قبر و از جمله قبر پیامبر را بیان می کنند، امر به مسافرت برای زیارتشان نکرده اند و آنچه که از احادیث پرایمان درک می شود زیارت قبور موطن خود و نهی از مسافرت به نیت تبرک و بدست آوردن ثواب، غیر از مساجد سه گانه است) و بنابر همین غفلت و عدم شناخت تفاوت میان زیارت و سفر برای زیارت، شیخ سبکی، شیخ الاسلام ابن تیمیه را به انکار زیارت قبر رسول الله صلی الله علیه وسلم - هرچند که قصد سفر هم به نیت زیارت قبور نکرده باشد - متهم می کند.»

ابن تیمیه می گویند:

« آنچه که انمه اربعه و اکثر علماء بر آن اتفاق دارند اینست که قصد سفر به نیت زیارت قبر پیامبر بدون اینکه قصدش زیارت مسجدالنبی و نماز خواندن در آن باشد، غیرمشروع است. و لذا علما اظهار داشته اند که کسی که نذر کرده باشد به زیارت قبر پیامبر برود نباید بدان نذر عمل کند. (مجموع الفتاوی شیخ الاسلام 27/26 و الرد علی الاخوانی صفحه ۲۹).

چنانچه شخصی بگوید: «اگر احادیث وارده در مورد زیارت قبر پیامبر همگی ضعیفند، پس چرا زیارت قبر پیامبر را مشروع می دانید؟»

جواب اینست که دلیل بر مشروعیت قبر پیامبر، همان حدیثی است که می فرمایند: « نهیتکم عن

مدینه منوره و فضایل آن

زیارة القبور فزورها...» (مسلم ۶۷۲/۲)

و زیارت قبر پیامبر نیز مشمول این حدیث می شود و این حدیث عمومیت دارد برای قبر همه انسانها حتی کفار-البته مسئله زیارت قبر کفار کمی متفاوت است که بعدا اشاره خواهیم نمود. احادیثی که در مورد زیارت قبر پیامبر آمده اند ضعیفند مثلاً: «من زارنی بعد مماتی فکانما زارنی فی حیاتی» یعنی: «هرکس مرا بعد از وفاتم زیارت نماید، همانند آنست که مرا در زمان حیاتم زیارت کرده باشد».

یا حدیث: «من زارنی بعد مماتی کنت له شفیعاً یوم القیامة» یعنی: «هرکسی بعد از وفاتم قبرم را زیارت نماید، در روز قیامت من برایش شفاعت می کنم».

دلیل ضعف این احادیث را در کتاب «الصارم المنکی فی الرد علی السبکی» تالیف علامه حافظ محمد بن عبدالهادی می توانید ببینید.

ابن تیمیه می گوید: «تمامی این احادیث و امثال آنها دروغ است که بر زبان پیامبر صلی الله علیه وسلم بسته اند و هیچ دلیلی بر صحت آن احادیث موجود نیست». (الرد علی البکری ص ۵۵). ابن باز رحمه الله می گویند: «اگر واقعا این احادیث صحیح بودند پس حتما صحابه که از همه جلوترند در کسب فضایل، اینکار را می کردند و امت را تشویق به زیارت قبر پیامبر می کردند، پس اینکه ما نقلی بر تشویق امت بر این امر را از صحابه ندیده ایم خود دلیل بر غیر مشروع بودن زیارت قبر پیامبر - البته با قصد سفر - است». (کتاب تحقیق و ایضاح لکثیر من المسائل الحج ص ۷۰ با تصریف). اما هرگاه کسی به مدینه رفت اشکالی ندارد بقیع یا شهدای احد را زیارت کند؛ چون پیامبر صلی الله علیه وسلم در آغاز از زیارت قبور نهی کرد، سپس به منظور بیادآوردن آخرت و عبرت گرفتن از کسانی که در آنجا دفن شده اند، به آن اجازه داد. ولی باید از تبرک جستن به قبور و استغاثه از مردگان و شفیع قراردادن و توسل کردن به آنان خودداری شود. بالا رفتن و نماز خواندن در محلی از کوه احد که گفته می شود محل نماز پیامبر صلی الله علیه وسلم بوده، یا بالا رفتن به آن جهت تبرک، یا بالا رفتن به کوه رماه جهت جستجوی آثار صحابه؛ و از این قبیل اعمال، هیچ مشروعیتی نداشته و مستحب نیست، بلکه از امور مستحذاه است که شرع از آنها نهی کرده است.

یادداشت :

۱- بسیاری از حجاج کوشش میکنند که مدت اقامت خویش را در مدینه منوره نسبت به اقامت شان در مکه مکرمه طولانی تر سازند در حالیکه یک نماز در مسجدالحرام با صد هزار نماز در سایر مساجد برابری می کند اما یک نماز در مسجدالنبی برابر با هزار نماز در سایر مساجد است و این تفاوت بزرگ در فضیلت بین نماز در مکه و نماز در مدینه دلیلی روشن برای حجاج است تا ماندنشان در مکه بیشتر از مدینه منوره باشد.

یادداشت توضیحی در مورد مسجد نبوی :

مسجد نبوی که در قسمت شرقی مدینه بناء شده پس از مسجد الحرام، مشهورترین مسجد در تاریخ اسلام است.

هنگامیکه پیامبر صلی الله علیه وسلم به مدینه رسید در خانه ابو ایوب انصاری منزل گزید؛ جایی که شتر وی آنجا زانو زد و خوابید.

زمین مسجدالنبی به دو یتیم تعلق داشت، و در آنجا زراعت خرما می کردند. پیامبر صلی الله علیه وسلم با تادیه قیمت زمین به ولی دو طفل، این زمین را خریداری کرد، در آن مسجد ساختند. مساحت این مسجد تقریباً در حدود ۲۰۷۱ متر مربع بود. صحن مسجد را با ریگ فرش کردند و دیوارها را با خشت و گل بالا بردند. در ساختن بنای این مسجد شخص پیامبر صلی الله علیه وسلم شرکت داشتند.

سقف قسمتی از مسجد را باشاخ و برگ درخت خرما پوشانیدند و از تنه درخت خرما برای

مدینه منوره و فضایل آن

ستون‌های آن استفاده کردند.

سه دروازه از جانب شرق، غرب و جنوب برایش ساختند. ولی مساحت مسجد نبوی در سالهای اخیر توسعه یافت و تقریباً به حدود يك صد هزار متر رسیده است. و همین حالا هم در حالا توسعه مییابد.

صُفه:

درداخل مسجد نبوی محلی وجود دارد که بنام صُفه مسمی مییابد، در این محل در زمان رسول الله صلی الله علیه وسلم مهاجرانی بی‌سر پناه زندگی میگردند.

این صحابه کرام از جمله مسلمانان بودند که بعداً به «اصحاب صُفه» شهرت یافتند. پیش از آن که قبله از بیت المقدس به طرف کعبه تغییر کند محراب رسول الله صلی علیه وسلم در ناحیه شمال مسجد قرار داشت.

پس از تغییر قبله به هدایت پیامبر صلی الله علیه وسلم، آن قسمت را مسقف کردند و آن محل را برای استراحت و سکونت مسلمانان مهاجر و بی‌سرپناه اختصاص دادند، زمانیکه در سال هفتم هجری اموری توسعه ای در داخل مسجد نبوی صورت، صُفه، اصحاب صُفه نیز به داخل مسجد ملحق و مدغم شد.

اصحاب صُفه از جمله اشخاص بودند که شب و روز در خدمت پیامبر صلی الله علیه وسلم قرار داشتند و در جنب پیامبر صلی الله علیه وسلم در جهاد مقدس و نشر و بخش دین مقدس اسلام سهم بارزی را ایفاء نمودند.

مؤرخین مینویسند که اصحاب صُفه شب و روز مصروف عبادت، حفظ قرآن عظیم الشان و تعلیمات اسلامی بودند برخی از گروه های صوفی گرا امروز ی مدعی اند که گویا اصحاب صُفه مؤسسن طریقه صوفی در اسلام میباشند، و به اصطلاح خود را پیروان آنان میدانند. در حالیکه عظمت اصحاب صُفه در دینداری بسیار قوی و متین از آن است که ما خود را به آنان برابر سازیم. همانطوریکه که گفته شد اصحاب صُفه چنان افراد متقی و با تقوا بودند که حتی در شأن متقی بودن شان آیاتی قرآنی نیز نازل شد. از جمله میتوان از آیه «ولا تطرد الذین یدعون ربهم بالغداه و العشی» نام برد برخی دیگری از مفسرین، آیات دیگری را هم در شرح و اشاره به آنان می دانند از جمله: (سوره بقره آیه ۲۷۳، سوره انعام آیه ۵۲، سوره کهف آیه ۲۸).

تعداد اصحاب صُفه:

مؤرخین تعداد دقیقی اصحاب صُفه را ذکر نکرده اند، ولی تعدادی از مؤرخین نوشته اند که تعداد اصحاب صُفه در زمانهای عادی، نزدیک به هفتاد تن میرسیدند، در برخی از اوقات این تعداد کم و در برخی از اوقات تعداد شان زیاد میشد، تعداد از اصحاب صُفه میرفتند ازدواج میکردند، تعداد شان پیر و وفات میکردند، همچنان در برخی از اوقات تعداد شان به صد تن میرسیدند.

ابن تیمیّه در مورد تعداد اصحاب صُفه مینویسد:

تعداد اهل صُفه و تاریخ آنان را ابو عبدالرحمان سلمی گرد آورده است، آنان حدود ششصد و یا هفتصد تن بوده اند و در یک زمان هم، یکجا جمع نبوده اند. آنان به صُفهای که در شمال مسجد قرار داشت، پناه میآوردند و مردمی بینوا از مهاجران بودند و گاهی یکی از ایشان ازدواج میکرد و یا مسافرت میرفت و یا در جهاد شرکت میگردد و از آن جمع خارج میشد و معمولاً هفتاد تن بودند، اندکی کم و یا زیاد. (برای معلومات مزید در مورد اصحاب صُفه مراجعه شود: مجموع فتاوی شیخ الاسلام، جلد ۱۱، صفحه ۸۱، چاپ المغرب.)

مشهورترین اصحاب اهل صُفه:

از مشهورترین اصحاب صُفه میتوان از: حضرت بلال، ابوذر غفاری، سلمان فارسی، بلال بن رباح، واثله بن اسقع، ابوهریره، بلال بن رباح، ابو عبیده عامر بن عبدالله الجراح، ابوالیقظان عمّار بن یاسر، ابومسعود عبدالله بن مسعود الهذلی، عتبّه بن مسعود، برادر عبدالله المقداد بن

مدینه منوره و فضایل آن

الاسود، خباب بن الأرت، صهیب بن سنان، عتبة بن عَزْوان، زید بن الخطاب، ابوكبشه، ابوالمرثد کَنَازبن الحُصَین غنوی، مولى ابی حُدَیفة، عَکَاشة بن المِحصَن، مسعود بن ربیع القاری، عبدالله عمر، ابوذَر جُنْدب بن جُنادة الغفاری، صَفْوان ابن بیضاء، ابودرداء عُوَیمر بن عامر، عبدالله بن بدر الجهنی، ابولبابة عبدالمُنذر. و غیره نام برد.

خانه‌های ازواج مطهرات در مسجد نبوی:

خانه‌های زنان پیامبر صلی الله علیه وسلم بشکل حجره‌هایی جدا گانه ساخته شده بود، و در سه طرف شمال، جنوب و شرق مسجد قرار داده شد و چون آن حضرت به جوار پروردگار شتافت، ایشان را در حجره بی بی عایشه که در کنار مسجد بود به خاک سپردند.

روضه نبوی:

روضه نبوی در قسمت جنوب شرقی (رو به سوی قبله) مسجد، یعنی مسافت میان قبر پیامبر صلی الله علیه وسلم و منبر آن حضرت است که طول آن ۲۲ متر و عرض آن ۱۵ متر می‌باشد در محدوده روضه، مرقد مطهر، منبر و محراب واقع است. پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «میان منبر و خانه من باغی است از باغ‌های بهشت»

منبر:

در قسمت غربی محراب مسجد، منبری است که با زیبایی خاصی از سنگ مرمر ساخته شده است، این منبر از جانب سلطان مراد سوم در محرم سال ۹۹۸ هجری به مسجد نبوی هدیه گردید و آن را به جای منبر قایتبای قرار دادند که در جایگاه منبر پیامبر صلی الله علیه وسلم گذاشته شده است.

محراب:

محراب محل نماز پیامبر صلی الله علیه وسلم می‌باشد. در زمان آن حضرت چیزی به‌نام محراب وجود نداشت، در جریان توسعه مسجد در زمان ولید بن عبدالملک اموی، در محل نماز پیامبر صلی الله علیه وسلم محرابی ساختند. این محراب در طول این مدت دگرگونی‌ها را متحمل شده ولی بنای فعلی آن از دوره سلطان اشرف قایتبای از سلاطین مملوکی مصر، باقی مانده است.

ستونهای مسجد نبوی:

در مسجد نبوی ستون‌هایی وجود دارد که هر یکی از این ستون‌ها دارای نام خاصی می‌باشد. تعداد مجموعی این ستون‌ها به هشت میرسد که از زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم تا هنوز در مسجد باقی است که با رنگ سفید مشخص شده‌اند که عبارتند از:

۱- ستون مَخْلَقَه:

این ستون در محلی جابجا شده است که قبلاً در آنجا تنه درخت خرمایی بود که پیامبر صلی الله علیه وسلم به هنگام ایراد خطبه‌ها بر آن تکیه می‌کرد. سیرت نویسان مینویسند بعد از اینکه کار اعمار مسجد نبوی به اتمام رسید، پیامبر صلی الله علیه وسلم در وقت خطبه (بخصوص در خطبه‌های روز جمعه)، بر تنه درخت خرمایی که در صحن مسجد باقی مانده بود تکیه می‌کرد، بعد از اینکه تعداد مصلین در مسجد رو به ازدیاد گرفت، اصحاب حضور پیامبر صلی الله علیه وسلم در مورد ساختن منبر پیشنهاد را ارائه داشتند، تا بدین طریق زمینه وصول صحبت‌شان برای همه نمازگزاران مساعد گردد. پیامبر صلی الله علیه وسلم پیشنهاد صحابه را در مورد طرح منبر برای ایراد خطبه‌های پذیرفت، بناً صحابه، منبری را از چوب با دو پله و یک عرشه ساختند. در اولین نماز جمعه پیامبر صلی الله علیه وسلم بعد از اینکه از کنار ستون نخل قبلی گذشت و خود را به منبر که جدید توسط صحابه ساخته شده بود رسانید. همینکه رسول الله صلی الله علیه وسلم بر روی منبر قرار گرفت، یک پاره صدای ناله از درخت خشکیده بلند شد. می‌گویند با ناله ستون صدای مصلین نیز به گریه و ناله بلند شد.

مدینه منوره و فضایل آن

رسول الله صلی الله علیه وسلم با شنیدن این ناله یکسره از منبر پایان آمد به پیش ستون درخت خرما رفت و آنرا در بغل گرفت و دست مبارک را بر آن کشیدند و فرمودند: آرام باش. به همین دلیل از آن روز بعد این ستون را بنام «حنّانه» ملقب دادند.

۲- ستون توبه:

ستون توبه را بنام ستون ابولبابه نیز می‌نامند پس از شکست بنوقریظه ابولبابه به خاطر گناهی که مرتکب شد، مورد بی‌توجهی پیامبر صلی الله علیه وسلم و اصحاب قرار گرفت. اصل داستان از این قرار است:

سیرت نویسان مینویسند زمانیکه یهودیان بنی قریظه، در پیمان خویش با رسول الله شکسته و خیانت ورزیدند، پیامبر صلی الله علیه وسلم از سوی پروردگار مأمور شد، که در دفع دسایس مخالفین که قصد خیانت به مسلمانان را دارد اقدام نماید.

سپاه اسلام قلعه پیمان شکنان را محاصره کرد. کار بر یهودیان سخت شد. برای رسول الله صلی الله علیه وسلم پیام فرستادند که برای مذاکره، «ابولبابه» را به درون قلعه، نزد آنان گسیل دارد؛ چرا که میان او و یهود بنی قریظه، سابقه دوستی و هم‌پیمانی بود.

محمد صلی الله علیه وسلم ابولبابه را نزد ایشان فرستاد. در خلال گفت‌وگو، فرستاده رسول خدا با اشاره و علامتی، بخشی از اسرار نظامی سپاه اسلام را برای دشمن فاش کرد. اما ساعتی پس از این ماجرا، از کرده خود پشیمان میگردد و در حالی که آثار ندامت از چهره اش هویدا شده و رعشه بر اندامش افتاده بود، از قلعه خارج شد، یکسره به مسجد النبی رفت، خود را به یکی از ستون‌های خانه خدا بست و با خدا عهد کرد که تا توبه اش به درگاه حق تعالی پذیرفته نشود، تا آخر عمر بر همین حال باقی بماند.

روزها بر همین روال می‌گذشت و ابولبابه جز برای نماز و حاجات طبیعی، طناب از دست و پای خود نگشود تا آن‌که در صبح روز هفتم، فرشته وحی پیام‌آمزش او را از جانب پروردگار بر قلب مبارک رسول الله صلی الله علیه وسلم نازل کرد: «... و گروهی دیگر از آنها به گناهان خود اعتراف کرده، عمل نیک و بد را به هم آمیخته‌اند. شاید خداوند توبه آنها را بپذیرد. خداوند، آمرزنده و بخشایشگر است» (سوره توبه-آیه 102)

وقتی خبر آمرزش ابولبابه به مردم رسید، برای باز کردن طناب از جسم فرسوده او به مسجد هجوم آوردند اما او گفت که باید رسول رحمت، بندها را از دست و پای او بگشاید. پیامبر هنگام نماز صبح به مسجد درآمدند و با دست مبارک خود، او را از ستون رها کردند. این ستون، از آن تاریخ بعد به ستون توبه یا ستون ابولبابه شهرت یافت.

۳- ستون محرس:

محرس از ریشه «ح - ر - س» به محلی نگهبانی و حراست گفته می‌شود. این ستون از طرف شمال، پشت ستون توبه و برابر خانه پیامبر صلی الله علیه وسلم که فعلاً قبر پیامبر اسلام در آنجا مدفون است، قرار دارد.

مورخین مینویسند که: در کنار این ستون، حضرت علی کرم الله وجهه ایستاده میشود و از رسول الله صلی الله علیه وسلم محافظت می‌کرد. این ستون به نام استوانه علی نیز شهرت دارد، زیرا محل نمازگزارِ حضرت علی نیز بود.

۴- ستون وُفود:

در کنار این ستون رسول الله صلی الله علیه وسلم با سران قبایل و هیأت‌های نمایندگی و سیاسی سایرکشورها، دیدار می‌گردد و این هیأت‌ها را به حضور می‌پذیرفتند.

۵- ستون سریر:

ستون سریر از جمله ستون‌های است که پیامبر صلی الله علیه وسلم در نزدیک آن تختی از شاخه‌های خرما می‌گذاشت و شب‌ها بر روی آن استراحت می‌کرد.

مدینه منوره و فضایل آن

۶- مقام جبرئیل امین:

مقام جبرئیل امین محلی است که در این مکان جبرئیل خدمت رسول الله صلی الله علیه وسلم مشرف می‌شده است.

دروازه های مسجد نبوی :

زمانی که مسجد النبی اعمار گردید اساساً این مسجد دارای سه دروازه برای ورود و خروج مردم صحابه کرام ساخته شد ، در ضمن تعدادی از اصحاب بخصوص مهاجرین که جدیداً به شهر مدینه هجرت مینمودند ، چون خانه و سر پناه نداشتند ، در نزدیکی مسجد نبوی برای خود خانه ساخته و دروازه های خانه های شان نیز به داخل مسجد ساخته شده بود .

مورخین مینویسند : در سال سوم هجرت، قبل از غزوه احد، به دستور پیامبر صلی الله علیه وسلم همه دروازه های مسجد که از خانه های صحابه کرام بداخل مسجد کشیده شده بود مسدود گردید . ولی بعدها زمانیکه مسجد نبوی توسعه یافت ، دروازه ای مسجد هم از دیوار یافت ، که بطور مثال میتواند از مشهورترین دروازه مسجد نبوی به ترتیب ذیل نام برد :

۱- باب الرحمة (دروازه عاتکه که در دیوار شرقی مسجد قرار دارد) بنام «باب الرحمة» شهرت دارد .

۲ - باب جبرئیل (این دروازه در دیوار شرقی مسجد) قرار دارد.

۳- باب السلام (این دروازه در دیوار غربی مسجد) قرار دارد .

۴- باب النساء (این دروازه در اخر بخش شمالی دیوار شرقی مسجد) قرار دارد .
ولی دروازه های فعلی مسجد النبوی به هفت دروازه میرسد .

مناره های مسجد نبوی :

زمانیکه مسجد نبوی در زمان ولید بن عبدالملک توسعه یافت، بر چهار طرف مسجد نبوی چهار مناره بزرگی اعمار گردید ، البته بعد ها تعداد دیگری از مناره ها در سایر جوانب مسجد نبوی نیز اعمار گردید است ، که بصورت کل تعداد مجموعی مناره های مسجد نبوی به ده مناره میرسد ولی مناره های اصلی مسجد نبوی عبارت اند از:

مناره های سلیمانیه، مجیدیه که در دو سوی ضلع شمالی قرار دارد ، و مناره های قایتبای و باب السلام که در دو سوی ضلع جنوب شرقی و ضلع غربی مسجد واقع بود.

آداب مسجد نبوی:

در تعلیمات اسلامی آمده است هر زمانیکه مسلمان وارد مسجد میگردد ، باید آداب مسجد رفتن را مراعات نماید ، بخصوص مسلمان که وارد مسجد نبوی میگردد باید با آرامش و وقار لازم رفتار نموده و حتی در روایت اسلامی آمده است ، بهتر است که خوشبوی هم استعمال نموده و در صورت ممکن لباس نو و مطهر بپوشد و در هنگام داخل شدن به مسجد دعای ورود به مسجد را تلاوت نموده و دو رکعت نماز تحية المسجد را در روضه ی شریفه (مکانی است مابین بیت رسول الله صلی الله علیه و سلم و منبر) بجا آورد.

سپس نزد قبر پیامبر صلی الله علیه و سلم را زیارت نماید بعداً به سمت راست آن رفته و بر حضرت ابوبکر صدیق ، درود بفرستد و کمی مکث کرده و بعداً بر حضرت عمر امیر المومنین نیز درود و سلام بفرستد.

آنگاه رو بسوی قبله کرده و هرچه می خواهد دعا نماید.

مدینه منوره و فضایل آن

توجه باید کرد که نباید بر حجره ی شریفه دست کشید و یا آنرا بوسید ، این عمل در شریعت اسلامی وجود نداشته و در ضمن باید یادآور شد که اینگونه اعمال باعث رنجش و اندوه پیامبر صلی الله علیه و سلم نیز میگردد ، زیرا خود پیامبر صلی الله علیه و سلم از تعظیم آرامگاه خویش نهی کرده و به اصحاب خویش می فرماید: (لا تجعلوا قبری عیداً) (ابوداود) یعنی: «قبر مرا عید (طوافگاه) نگردانید.»

قبرستان بقیع:

قبرستان بقیع قدیمی ترین و مشهور ترین قبرستان میباشد که بعد از آمدن مسلمانان و بخصوص بعد از هجرت مسلمانان به این دیار در منطقه شرقی شهر مدینه به هدایت و دستور پیامبر صلی الله علیه و سلم توسط مسلمانان صدر اول ، ساخته شده است . از لحاظ تاریخی این قبرستان بنام «بقیع الغرقد» و در قرن های اخیر احياناً بنام «جنة البقیع» نیز یاد گردیده است .

ابن اثیریکی یکی از بزرگترین و مشهورترین مورخ و محدث جهان اسلام در یادداشت های خویش مینویسد : «در لغت بقیع به محل وسیعی که دارای درخت و یا ریشه درخت باشد، گفته می شود و چون مکان بقیع پیش از آن دارای درخت غرقد و ریشه های آن بود پس از قطع این اشجار نیز با همان اسم معروف گردید.»

در بقیع اولین کسی که از انصار دفن شده است «اسعد بن زراره» و از مهاجرین «عثمان بن مظعون» بوده است.

سمهودی می گوید:

«پس از فوت ابراهیم فرزند رسول الله (صلی الله علیه و سلم) آن حضرت به صحابه هدایت فرمودند که ابراهیم را به سلف صالح ما عثمان لاحق کنید و در کنار او به خاک بسپارید.» او می گوید پس از دفن شدن ابراهیم در بقیع، مردم مدینه نیز علاقه مند شدند که جنازه های خویش را در آنجا دفن کنند و هر یک از قبایل مدینه درختان و ریشه های بخشی از بقیع را قطع و زمین آن را برای همین منظور آماده ساختند .

در فضیلت بقیع حدیث های متعددی از پیامبر صلی الله علیه و سلم نقل گردیده است.

از جمله در حدیثی فرمودند: «از بقیع هفتاد هزار نفر که صورتشان مانند ماه چهارده شبه است محشور خواهند شد و بدون حساب وارد جنت می شوند.»

در حدیث دیگر آمده است که پیامبر صلی الله علیه و سلم در بقیع حضور یافتند و اهل قبور را بدین گونه خطاب می کردند: «درود بر شما و خداوند ما و شما را بیامرزد. شما پیشاهنگان ما بودید و ما هم در پی شما خواهیم آمد.»

طوری که در فوق تذکر یافت در این قبرستان قبر حضرت عثمان قبر عبد الله بن عبد المطلب ، و آمنه پدر و مادر پیامبر صلی الله علیه و سلم حضرت عباس ، نیز موجود میباشد.

قبر بی بی رقیه:

خانم حضرت عثمان بن عفان ، (مطابق روایات تاریخی او در مدینه زندگی می کرد. زمانی که جنگ بدر رخ داد، او مریض سخت شد و تا قبل از رسیدن به مدینه، درگذشت. رسول الله صلی الله علیه و سلم او را در بقیع دفن کرد.)

مدینه منوره و فضایل آن

قبر ام کلثوم:

او بعد از وفات رقیه، به حضرت عثمان بن عفان ازدواج کرد. وی نیز در سال نهم هجرت وفات کرد و در قبرستان بقیع دفن است.

قبر بی بی زینب:

بی بی زینب که خانم ابوالعاص بن ربیع بود. پس از هجرت پیامبر صلی الله علیه وسلم به مدینه، در مکه نزد همسرش نگه داشته شد. ابوالعاص در جنگ بدر در کنار مشرکان شرکت کرد و اسیر شد. زینب گلو بند خود را به عنوان فدیة فرستاد. رسول الله صلی الله علیه و سلم، فرمود تا گلو بند را پس فرستادند و ابوالعاص را نیز به شرطی آزاد کرد که همسرش خویش را طلاق دهد و راهی مدینه کند، و بدین ترتیب زینب به رسول الله صلی الله علیه وسلم ملحق شد. مورخین مینویسند: چند سال بعد، خود ابوالعاص ایمان آورد و به مدینه آمد و مجدداً با زینب ازدواج کرد. زینب در سال هشتم هجرت وفات کرد. ناگفته نباید گذاشت که این سه خواهر در کنار یکدیگر دفن شده‌اند.

قبر ازواج مطهرات در قبرستان بقیع:

تعداد از ازواج پیامبر صلی الله علیه وسلم در قبرستان بقیع در کنار یکدیگر مدفون شده‌اند. مطابق روایات تاریخی برخی از آنها عبارتند از:

- زینب فرزند خزیمه (متوفای سال ۴ هـ.)؛
- ریحانه فرزند زبیر (متوفای ۸ هـ.)؛
- ماریه قبطیه (متوفای ۱۶ هـ.)؛
- زینب بنت جحش (متوفای ۲۰ هـ.)؛
- ام حبیبیه دختر ابوسفیان (متوفای ۴۲ یا ۴۴ هـ.)؛
- حفصه دختر عمر (متوفای ۴۵ هـ.)؛
- سوده (متوفای ۵۰ یا ۵۴ هـ.)؛
- صفیه دختر حبی بن اخطب یهودی (متوفای ۵۰ هـ.)؛
- جویریة فرزند حارث (متوفای ۵۰ یا ۵۶ هـ.)؛
- عایشه دختر حضرت ابوبکر صدیق (متوفای ۵۷ یا ۵۸ هـ.) .
- ام سلمه (متوفای سال ۶۱ هـ.)

مقبره فرزندان پیامبر صلی الله علیه وسلم:

قبر ابراهیم تنها فرزند پسر، که در مدینه نصیب پیامبر صلی الله علیه وسلم شد، ابراهیم بود که از مادری به نام ماریه قبطیه متولد گردیده بود. قبطیه را حاکم مصر به عنوان هدیه به پیامبر صلی الله علیه وسلم فرستاده بود. ابراهیم در ذیحجه سال هشتم هجرت متولد شد. با تولد او موجی از شادی و سرور شهر مدینه را فرا گرفته بود. اما بعد از گذشت قریب یک سال، ابراهیم نسبت مریضی که عاید حالش شد، وفات یافت، و پیامبر صلی الله علیه وسلم در غم فرزند خویش شدیداً اندوهگین گردید.

مدینه منوره و فضایل آن

قبر فاطمه بنت اسد:

فاطمه بنت اسد یکی، از زنان بسیار محبوب نزد پیامبر صلی الله علیه وسلم بشمار میرفت.

قبر عباس بن عبدالمطلب:

حضرت عباس کاکای پیامبر صلی الله علیه وسلم بود، در سال 33 هجری قمری در زمان خلافت حضرت عثمان وفات یافت.

سایر مدفون شدگان قبرستان بقیع:

طوریکه قبلاً اشاره نمودیم قبرستان قبرستان بقیع مدفن هزاران تن از صحابه، تابعین و بزرگان اسلام است. مطابق روایت تاریخی در این قبرستان قبر (محمد بن علی یا محمد حنفیه پسر بزرگ حضرت علی، قبر عقیل بن ابی طالب و فرزند ابوطالب و بیست سال بزرگتر از حضرت علی است، قبر عبدالله بن جعفر، جعفر بن ابی طالب شخصی که سرپرستی مهاجران حبشه را به عهده داشت و پس از بازگشت، در جنگ مؤته به شهادت رسید.

همچنان قبر صفیه، صفیه دختر عبدالمطلب و عمه رسول الله صلی الله علیه وسلم بود. وی از زنان با شهامت صدر اسلام به شمار می‌رفت و در جریان جنگ احزاب، در داخل شهر، یک یهودی را که برای یهودیان بنی قریظه جاسوسی می‌کرد، به قتل رساند.

قبر عاتکه، عاتکه نیز دختر عبدالمطلب و از عمه‌های پیامبر صلی الله علیه وسلم بشمار میرفت.

مساجد مشهور شهر مدینه:

در شهر مدینه تعدادی کثیری از مساجد وجود دارد که مشهورترین آن عبارت است:

مسجد قبا:

قبا قریه است که در دو مایلی مدینه قرار دارد، زمانیکه پیامبر صلی الله علیه وسلم به مدینه هجرت نمود، در منطقه قباء، طایفه بنی عمرو بن عوف سکونت داشتند.

پیامبر صلی الله علیه وسلم در روز دوشنبه ۱۲ ربیع الاول در میان فریادهای شادی و شور و شوق مردم قریه قبا شد و در خانه یکی از سران قریه بنام (کلثوم بن هدم) سکونت گزید و در منزل (سعد بن خثیمه) را برای ملاقت های خویش تخصیص داد.

چون آغاز سنه اسلامی از تاریخ هجرت پیامبر اسلام از مکه به مدینه می‌باشد:

مردم مدینه که در آن زمان بنام یثرب یاد میشدند خواهش داشتند تا پیامبر صلی الله علیه وسلم هرچه زوتر بدانجا تشریف ببرد. مگر اقامت پیامبر صلی الله علیه وسلم ۱۵ روز در قریه قباء طول کشید تا که تعداد دیگری مهاجرین از مکه به پیامبر صلی الله علیه وسلم وصل گردیدند. زمانیکه توقف پیامبر صلی الله علیه وسلم در قریه قبا پانزده روز به طول انجامید، تصمیم گرفت برای فعالیتهای عبادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی مسلمانان، محلی را بنا نماید، به همین منظور یک قطعه زمین را، که در کنار خانه کلثوم بن هدم بود و از آن برای خشک کردن خرما استفاده می‌گرد انتخاب کرد.

به گفته طبرانی، پیامبر صلی الله علیه وسلم به یارانش فرمود: نقشه این مسجد از سوی خداوند است قبله این به سوی بیت المقدس ساخته شد.

در روایات تاریخی آمده است: که شخص پیامبر صلی الله علیه وسلم در کار ساختمانی این مسجد تکلیف زیادی کشید.

زنی به نام شمس بنت نعمان می‌گوید: هنگام ساختن مسجد قبا، پیامبر را میدادم که سنگهای کوچک و بزرگ را بر میداشت تا آنجا که سنگینی سنگها پشت مبارکش را خم کرد.

مدینه منوره و فضایل آن

رابطه پیامبر با مسجد قبا:

پیامبر صلی الله علیه وسلم بعد از اینکه قریه قبا را ترک کرد و به مدینه رفت، با آنها تا آخرین روزهای زندگی هرگز رابطه قلبی خود را با این مسجد قطع نکرد. مطابق روایات تاریخی هر شب پیاده یا سواره به طرف مسجد قبا به راه میافتاد و نماز رادر آنجا میگزاردند.

فضیلت مسجد قبا:

درباره فضیلت معنوی این مسجد همین بس که قرآن عظیم الشان این مسجد را از جمله مساجد خوانده است که: «بر پایه تقوا بنا نهاده شده است» **«لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَى مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ»** . (همانا مسجدی که از اولین روز بر مبنای تقوا پایه گذاری شده است، شایسته تر است که تو در آن نماز بخوانی.) (سوره توبه، آیه ۱۰۸)

در حدیث شریفی آمده است: «من اتی مسجدی قبا فصلی فیہ رکعتین رجع بعمره» (کسی که در مسجد من قبا، دو رکعت نماز بگذارد مانند آن است که یک عمره به جای آورده باشد.)

مسجد قبا در طول تاریخ، چندین بار توسعه و ترمیم گردیده است، برای اولین بار در زمان خلافت حضرت عثمان این مسجد توسعه یافت بعد ها در زمان عمر بن عبدالعزیز و دیگر ملوک کشور عربستان سعودی نیز این مسجد توسعه و ترمیم کاری گردیده است.

مساحت فعلی این مسجد بشکل تقریبی (مساحت مسجد و بناهای جانبی مربوط به آن به 13500 متر مربع می رسد و به شکل زیبایی ساخته شده است. در این مسجد جای ۲۰۰۰۰ نمازگزار وجود دارد و ۴ مناره با ۴۷ متر طول، دارد.

مسجد قبلتین:

این مسجد در فاصله سه و نیم کیلومتری مسجد النبی صلی الله علیه وسلم در شمال غربی شهر مدینه در منطقه در حرة سلع قرار دارد. این مسجد در ماه شعبان، سال دوم از هجرت، زمانیکه قبله از طرف بیت المقدس به سوی مکه تغییر یافت، مورخین میگویند، خبر تغییر قبله در نماز ظهر بدین مسجد موصلت کرد، آیه «قد نرى قلب وجهك فى السماء فلنولينك قبلة ترضاها فول وجهك شطر المسجد الحرام،...» مسلمین که مصروف نماز بودند به مجرد وصول خبر نماز گزاران روی خویش را از بیت المقدس به طرف کعبه برگردانیدند.

این چرخش چنان معجزه اسا صورت گرفت، و میگویند این چرخش 160 درجه ای بود، طوریکه صفوف نماز گزاران مردان در محل صفوف زنان یعنی صفوف عقب و زنان در مکان مردان یعنی در صفوف پیشرو قرار گرفتند. بنا بر همین تغییر بود که این مسجد بنام قبلتین شهرت یافت و در این مسجد، به یاد بود تغییر قبله، دو محراب به سوی قبله اولی و قبله دوم ساخته شد که در اعمار مجدد مسجد آنها را برداشته اند.

این مسجد در سالهای 893 قمری، توسط شاهین جمالی، شیخ خدام حرم پیامبر صلی الله علیه وسلم مسقف و در دوران سیمانی عثمانی 950 هجری قمری نیز مجددا تعمیر و تجدید بنا شد. در سال 1370 قمری نیز مناره ای در زاویه ای شمال شرقی صحن آن برپا و نمای مسجد به طور کلی بازسازی گردید. به یاد آن حادثه مهم یعنی تغییر قبله داخل مسجد آیه 144 سوره بقره بر دیوار شمالی یعنی سمت چپ مدخل ورودی کنونی بوده که قبلا سنگی به عنوان نشانه آن نصب کرده بودند. از آنجایی که مسلمانان آن سنگ را مسح و لمس میگردند و به آن تبرک می جستند در سال 1398 قمری آن سنگ را برداشته و آیات تغییر قبله بر دیوار شمالی نگاشته شد.

مساحت مسجد اکنون به 3920 متر مربع میرسد و دو گنبد بزرگ به قطر 7/8 متر و ارتفاع 18/8 متر نیز بر آن ساخته شده است.

مسجد جمعه:

مسجد جمعه بعد از مسجد قبا، از لحاظ تاریخی دومین مسجد بشمار میرود. پیامبر صلی الله علیه

مدینه منوره و فضایل آن

وسلم بعد از اینکه قریه قبا و بسوی مدینه ترک کرد ، زمانیکه به منطقه رسید که در آن خاندان بنی عمرو بن عوف ساکن بودند ، روز حرکت پیامبر صلی الله علیه به سوی مدینه ، روز جمعه بود ، زمانیکه پیامبر صلی الله علیه وسلم بدین منطقه رسید ، اولین نماز جمعه را در آنجا اقامه کردند ، از آن تاریخ ببعده مسلمانان در آنجا مسجدی را اعمار نمودند و آنرا بنام مسجد جمعه مسمی ساختند . این مسجد در سالهای 1412 توسط دولت عربستان سعودی در مساحت 1630 متر بازسازی و ترمیم گردید.

مسجد فضیخ:

مسجد فضیخ در اخیر جاده شارع العوالی موقعیت دارد ، یکی از مساجد مشهور تاریخی بشمار میرود .

فضیخ درخت خرما است ، چون در این منطقه درختان خرما زیاد بود ، بناً این مسجد بنام مسجد فضیخ شهرت یافت .

همچنان این مسجد بنام مسجد رد شمس شهرت دارد ، این مسجد فعلاً تخریب گردیده و میگویند که از سر اعمار میگردد.

کوه احد:

احد یکی از کوه‌های بسیار مهم و مشهور مدینه منوره میباشد که : در پنج کیلومتری شمال شرق این شهر قرار دارد.

این کوه با وجود اینکه از سایر کوه‌ها جدا است؛ ولی به صورت سلسله جبال طولی با حدود نه هزار کیلومتر طول و دو هزار کیلومتر عرض بوده و به عبارتی طولانی‌ترین کوه در شبه جزیره محسوب می‌شود.

در سمت شرق «جبل تیاب» و سرک عمومی میدان هوایی مدینه و در سمت غرب «حی الطیاریه» و «العیون» آن را محدود ساخته است. و «جبل ثور» در شمال غربی و «مقابر شهدای احد» و «جبل عینین» در جنوب آن قرار دارد.

علتی نامگذاری این کوه به احد :

چرا این کوه به «أحد» مسمی گردیده است ؟ محققین نظریات متعددی در این باب نوشته اند ، ولی بصورت کل گفته میتوانیم ، چون این کوه متوحد و مستقل از کوه های دیگر است، آنرا به کوه أهد مینامند .

فضیلت کوه أهد:

در احادیث متعددی که در فوق ذکری از آن بعمل آوردیم در باره فضیلت مدینه منوره از پیامبر صلی الله علیه وسلم روایت گردیده است ، که این فضیلت شامل کوه احد نیز میگردد .

هكذا در یک روایتی دیگری آمده است که قبر هارون هم در کوه أهد موقعیت دارد : میگویند زمانیکه حضرت موسی همراه برادرش هارون به قصد زیارت خانه خدا حرکت کردند و چون به منطقه مدینه رسیدند، از ترس یهود! در خارج شهر و در کوه احد به استراحت پرداختند و این در حالی بود که هارون سخت مریض بود و از دنیا رفت و موسی علیه السلام جسد او را در همانجا دفن کرد .

اگرچه مورخ مشهور جهان اسلام ، علی بن احمد سمهودی (نورالدین) (مولد ۸۴۴ق وفات : ۹۱۱ق) این شبیه را رد نموده مینویسد :

در کوه احد درّه ای است معروف به درّه هارون و عوام الناس خیال می کنند قبر هارون در انتهای آن است! سمهودی سپس این مطلب را تضعیف می کند و می گوید: «وَهُوَ بَعِيدٌ جَسًا وَمَعْنَى»

غزوه أهد:

مدینه منوره و فضایل آن

بعد از غزوه بدر مشرکان مکه به سرپرستی ابوسفیان، تصمیم گرفتند تا همه قوای خود را متمرکز کنند و خود را از قید آنچه به نام محمد و اسلام وجود دارد رها سازند. در ضمن به دردهای عمیق خود که از کشتگان و اسرای جنگ بدر در دل داشتند التیام بخشند و بر همان تصمیم در سال سوم هجرت و یکسال پس از جنگ بدر، پنج هزار نفر جنگجو به فرماندهی ابوسفیان به همراه پانزده نفر از زنان قریش به سرپرستی هند همسر ابوسفیان و با دوصد اسب و سه هزار شتر و هفتصد نفر زره دار به سوی مدینه حرکت کردند.

تصمیم جنگ و مقابله قریش با مسلمانان را حضرت عباس کا کای پیامبر صلی الله علیه وسلم، طی نامه ای سری به پیامبر اسلام گزارش داد، پیامبر صلی الله علیه وسلم بعد از کسب اطلاع به انتظار چنین جنگی بسر میبرد.

در این میان روز چهارشنبه سیزده شوال، نیروی مشرکان خود را به کنار احد رسانید و در دامنه این کوه، در میان نخلستان، در محلّ مسطحی و در کنار درّه ای که می توانست در شرایط سخت برای آنان مأمنی باشد فرود آمد و تا روز جمعه به استراحت و طرح نقشه جنگ پرداخت. پیامبر صلی الله علیه وسلم پس از اقامه نماز جمعه، همراه هزار نفر به سوی احد در حرکت شد. عبدالله بن ابی سرکرده منافقین، با سیصد نفر از همفکرانش از میانه راه برگشت و رسول الله صلی الله علیه و سلم با هفتصد نفر که صد نفر از آنان زره دار و پنجاه نفر کماندار و تیرانداز بود و تنها دو اسب به همراه داشتند وارد منطقه احد گردید و چند نفر نوجوان را به خاطر کمی سنشان از حضور در جنگ منع کرد.

چون مجاهدان به احد رسیدند، پیامبر پنجاه نفر تیرانداز را به قومنده عبدالله بن جبیر بر لب درّه گذاشت و دستور فرمودند:

ما چه در حال فتح باشیم و یا هم چه در حال شکست، شما در جای خود استوار بمانید حتی اگر ببینید اجساد ما در روی زمین مانده و یا دشمن ما را به درون مدینه راند و یا ما دشمن را تا مکه عقب راندیم شما از جای خود حرکت نکنید آنگاه به لشکریان دستور داد: تا از طرف من فرمان نرسد شما جنگ آغاز نکنید.

جنگ احد در مرحله نخست:

جنگ احد که روزشنبه 15 شوال رخ داد، در دو مرحله مختلف انجام گرفت؛ در مرحله اول قریش شکست خوردند و در مرحله دوم شکست نصیب مسلمانان شد.

جنگ ابتدا تن به تن بود و نه تن از پرچمداران قریش پشت سر هم وارد میدان شدند که یکی پس از دیگری به هلاکت رسیدند و این موضوع موجب تضعیف روحیه آنان گردید. سرانجام ناگزیر به حمله عمومی شدند و جنگ به اوج خود رسید، به طوری که هند و دیگر زنان قریش که از زیبایی و آرایش برخوردار بودند، برای تشویق مشرکین وارد معرکه شدند و در میان صفوف می چرخیدند و دَف زنان و گریه کنان جنگ جویان خود را با اسم و رسم صدا کرده و کشته شدگان بدر را به یاد آنان می آوردند.

کلمات: ننگ و شرف و حمیت و غیرت و ... را با آهنگها و آوازهای محرک و حماسی می خواندند و مشرکان را بر حملات شدید و پایداری در مقابل مسلمانان تشویق می کردند. طبری مینویسد:

در هنگامه جنگ تهاجمی، عده ای از مسلمانان و در رأس آنها ابودجانه و حمزه بن عبدالمطلب و علی بن ابی طالب وارد صحنه شدند و دشمن را در هم شکستند و تا آخر صفوف پیش رفتند، در نتیجه خداوند مسلمانان را پیروز گردانید و شکست قطعی را بر مشرکان وارد آورد؛ «وَقَاتَلَ ابُودِجَانَةَ حَتَّى أَمْعَنَ فِي النَّاسِ وَحَمَزَةُ بْنُ عَبْدِالمَطْلِبِ وَعَلِيٌّ بْنُ ابِيطَالِبٍ فِي رِجَالِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ، فَأَنْزَلَ اللهُ نَصْرَهُ وَصَدَقَهُمْ وَعَدَهُ فَحَسُّوْهُمُ بِالسِّيُوفِ حَتَّى كَشَفُوْهُمُ وَكَانَتِ الْهَزِيْمَةُ لَا شَكَّ فِيْهَا»

مدینه منوره و فضایل آن

و لذا کار بر قریشیان سخت گردید و در تهاجم عمومی هم نتوانستند کاری از پیش ببرند و هزیمت و فرارشان آغاز شد و از ترس جان خود به درّه ها و کوه ها پناه بردند و مقرّ خویش را بدون مراقب رها ساختند.

مرحله دوّم جنگ و علل شکست مسلمانان!

پس از شکست سختی که بر قریش وارد گردید، صحنه جنگ دگرگون شد، زیرا گروهی از مسلمانان که هزیمت دشمن را دیدند، به درون درّه ای که مقرّ آنها بود حمله بردند و به جمع آوری غنیمت پرداختند.

در این هنگام گروه تیراندازان که به دستور رسول الله صلی الله علیه وسلم در دهانه درّه پاس می دادند، علی رغم مخالفت فرمانده شان، عبدالله بن جبیر، بجز ده تن، به سوی مقرّ مشرکان برای غارت غنایم پایین آمدند.

خالدبن ولید، فرمانده اسب سواران قریش از این فرصت استفاده کرد و با همراهانش کوه را دور زد و عبدالله بن جبیر را با یاران اندکش به سادگی از سرراه برداشت، آنگاه از دهانه درّه فرود آمد و مسلمانانی را که از همه جا بی خبر بر سر غنایم گرد آمده بودند به زیر شمشیر گرفتند. این اولین عامل شکست مسلمانان بود.

دوّمین عاملی که در شکست سپاه اسلام نقش داشت خبر کشته شدن رسول الله صلی الله علیه وسلم بود. در گرماگرم جنگ و درگیری که پیامبر مجروح شد و در گودالی افتاد، «سراقه» فریاد برآورد: «محمد کشته شد!» این خبر در میان سپاه شرک و در جبهه پریشان مسلمانان به سرعت برق پیچید و موجب شکست روحیه مسلمانان و تقویت روحی مشرکان گردید.

مورخان، از جمله طبری صحنه این مرحله از جنگ را چنین توصیف می کند:

« مسلمانان با دیدن آمدن شکست و شایعه کشته شدن رسول الله صلی الله علیه وسلم ، به سه گروه تقسیم شدند: تعدادی مجروح شده و از کار افتادند. بعضی استقامت ورزیدند تا به شهادت رسیدند و گروه سوّمی فرار کردند و جان به سلامت بردند!

(وكان المسلمون لما أصابهم ما أصابهم من البلاء اثلاثاً؛ ثلث قتل وثلث جريح وثلث منهزم) و این خلاصه ای بود از دورنمای جنگ احد.

بدیهی است اگر تمام مراحل و جزئیات جنگ احد نوشته شود ، کتاب مستقلی را به خود اختصاص می دهد، ولی ما به این اختصار اکتفا می کنیم .

مجروحان جنگ احد

در این شکی نیست که در جنگ احد تعدادی زیادی از مسلمانان به شهادت رسیدند و تعدادی زیادی از مسلمانان مجروح گردیدند مطابق یادداشت هایکه توسط مورخین در این بابت تحریر یافته است تعداد شهدای صحابه کرام را در حدود 70 نفر از جمه شهادت سید الشهداء حمزة بن عبدالمطلب و مُتله شدن وی؛ جراحت در روی پیامبر صلی الله علیه وسلم و شکستن دندان ایشان معرفی داشته اند .

پیامبر صلی الله علیه وسلم در حالی که فرماندهی عالی جنگ را به عهده داشت و پرچمداران و فرماندهان را هدایت و تعیین می کرد، حملات دشمن و دفاع سپاهیان اسلام را زیر نظر داشت و خود نیز در حمله و دفاع شرکت داشت و با شجاعت و شهامت غیر قابل وصفی، می جنگید. آنچنان جنگ کرد که تیرهایش تمام شد و مورد تعرض دشمن قرار گرفت و به شدت مجروح گردید.

ابن اسحاق در شهامت رسول الله صلی الله علیه وسلم مینویسد :

آن حضرت هنگامی که در میان عده ای از صحابه در اثر شدت جراحات بی حال افتاده بود، گروهی از مشرکان به سرپرستی خالدبن ولید از کوه بالا رفتند. رسول الله صلی الله علیه وسلم با مشاهده آنان گفت: «اللهم لا ینبغی لهم أن یعلّونا»؛ «خدایا! سزاوار نیست که مشرکان در جایگاه بالاتر از ما مسلمانان قرار گیرند.» همین توجه و گفتار رسول الله موجب گردید که عده ای از مسلمانان به گروه مشرکین حمله بردند و از کوه سرازیر کردند و متفرقشان ساختند.

مدینه منوره و فضایل آن

به هر حال در اوج شدت جنگ، یکی از مشرکین به نام عبدالله بن قمنه رسول الله را با سنگ مورد اصابت شدید قرار دارد و در اثر آن، پیشانی و بینی مبارک آن حضرت به شدت مجروح شد و دندانش شکست و لب مبارکش شکافت.

ابن اسحاق مینویسد: در حالیکه رسول الله صلی الله علیه وسلم خون از صورت خویش پاک می کرد، چنین می فرمود: «کیف یفلح قوم قد خضبوا وجه نبیهم وهو یدعوهم الی ربهم» (چگونه رستگار خواهند شد مردمی که پیامبرشان به سوی خدا دعوت می کند و آنان صورتش را به خورش رنگین می سازند!)

شهادت حضرت حمزه :

حضرت حمزه قبل از غزوه احد قسم یاد کرده و در خطاب به پیامبر صلی الله علیه وسلم فرموده بود :

«سوگند به آن که قرآن را که بر تو فرستاد امروز دست به غذا نخواهم برد، مگر آن که بیرون مدینه با شمشیر خود بر دشمن بتازم!»

حضرت حمزه از معدود قهرمانانی بود که در جنگ، نشان بر خود می نهاد و بدین وسیله خود را به دوست و دشمن معرفی می کرد.

او نمونه ای از شجاعت و دلیری در میدان جنگ بود، خود را به اعماق صفوف دشمن می رساند و با دشمن درگیر می شد، از قدرت بازوی برجسته ای بهره مند بود. مورخین مینویسند که حضرت حمزه در غزوه احد با دو شمشیر در پیشا پیش رسول الله می جنگید و می گفت: «من شیر خدا هستم!»

حضرت حمزه در غزوه احد، به هنگام تهاجم دشمن، وفادار و ثابت قدم از رسول الله دفاع میکرد و توانست سی مشرک جنگجو را به هلاکت برساند.

ولی کینه دیرینه هند همسر ابوسفیان که پدر و برادر خود را در جنگ بدر بدست جنگجوی حمزه بن عبدالمطلب از دست داده بود، او را واداشت که غلام حبشی خود، «وحشی» را در صورت به شهادت رساندن حمزه، وعده آزادی و رهایی از بردگی دهد. و بدین گونه حین جنگ حضرت حمزه بن عبدالمطلب با زوبین غلام که در کمین آن سردار دلاور بود، مورد نشان قرار گرفته شد و آن بزرگوار پس از عمری جهاد در راه الله و یاری پیامبر گرامی به ملکوت اعلی پیوست و آن سردار رشید، شهید شاهد بارگاه الهی شد. رسول الله صلی الله علیه وسلم در منزلت او فرمود :

« سالار شهیدان در روز قیامت نزد خداوند حمزه است.» قبر مطهر حمزه سید الشهداء در قبرستان احد (محل واقعه جنگ احد) در مدینه منوره واقع شده و مزار آن سردار شهید و دیگر شهیدان احد در جوار میدان احد موقعیت دارد .

مساجد سبعة یا مساجد سته:

در شوال سال پنجم هجری ، مشرکان با همکاری نزدیک قوم یهود پلان را براه انداختند تا همه اقوام غیر مسلمان را متحد و با یک هجوم سراسری از همه طرف شهر مدینه را محاصره و ریشه اسلام و مسلمانان را از بین ببرد .

بنآ تمامی گروهها، احزاب و قبایل را برای محاصره مدینه به حرکت درآوردند. از آن جایی که در این جنگ ، تمامی احزاب و قبایل حضور داشتند آن را غزوه احزاب نامیدند. در این میان مسلمانان به پیشنهاد سلمان فارسی و موافقت پیامبر صلی الله علیه وسلم به حفر خندق در اطراف مدینه پرداختند و از این طریق سپاه مشرکان را به شکست ابدی مواجه ساختند.

منطقه این جنگ ، مقابل کوه سلع در شمال غربی مدینه قرار داشت . مسیر خندق نیز از نزدیکی مسجد ذوقبلتین در غرب آغاز و به صورت نیم دایره ای با عبور از کوه سلع تا مسجد عبیر در نزدیکی مسجد الاجابه کنونی امتداد می یافت . به این صورت نیمی از مدینه از مدینه در محاصره خندق درآمد و کوه سلع نیز محل استقرار و جان پناه سپاهیان اسلام گردید. پیامبر صلی الله علیه وآله

مدینه منوره و فضایل آن

پرچمی بر فراز کوه سلع در پشت سپاه اسلام قرار گرفت . قوماندانان سپاه اسلام در چند نقطه و دامنه این کوه سنگرها نماز می گذارند. بعدها به یاد مجاهدت های این صحابه تعدادی از ، مساجدی در آنجا ساختند که به نام آن صحابه شهرت یافت . موقعیت اصلی مساجد مورد نظر، صرف نظر از تغییرات مختصری در فضاهای مجاور، همچنان ، محفوظ مانده است .

مورخین مینویسند که یکی از مساجد تخریب شده و برخی دیگری از مورخین میگویند مسجد ذوقبلتین را هفتمین آنها می دانند. در حال حاضر شش مسجد در این منطقه وجود دارد . که عبارتند از :

1- مسجد فتح :

این مسجد در دامنه کوه سلع بر بلندی تپه قرار دارد. در این مکان بود که پیامبر صلی الله علیه وسلم در جنگ خندق از خداوند طلب فتح و پیروزی کرد و خداوند دعای آن حضرت را مستجاب نمود و مشرکان شکست خوردند. پس از آن صحابه روی این تپه مسجد فتح را بنا نهادند. بنای فعلی مسجد فتح که مربوط به سال 1270 قمری است حدود 24 متر مربع و ارتفاع آن 4/5 متر می باشد. مسجد فتح همین حالا تحت ترمیم مجدد قرار گرفته است .

2- مسجد حضرت علی

این مسجد در جنوب مسجد فتح و بر تپه بطحان موقعیت دارد ، در نزدیکی این مسجد، مسجد دیگری است که به نام مسجد فاطمه شهرت دارد . همچنان در همین منطقه مساجدی بنام سایر صحابه از جمله :

3- مسجد سلمان فارسی

4- مسجد ابوبکر صدیق

5- مسجد عمر بن خطاب

6- مسجد فاطمه علیها السلام ،

7- و برخی علماء بدین امر معتقد اند که مسجد قبلتین در جمله مساجد سبعة شامل میگردد.

یادداشت:

قابل تذکر است که در مدینه منوره اماکنی هست که بعنوان زیارتگاه ها در بین مسلمانان ، بخصوص حجاج که کشور عزیز ما افغانستان شهرت یافته است ، که بصورت عمده این اماکن عبارتند از :

هفت مسجد ، مسجد قبلتین، بعضی چاهها، مسجد غمامه و مساجدی که به حضرت علی ، مسجد ابوبکر صدیق ، مسجد حضرت عمر ، و مسجد بی بی عایشه رضی الله عنهم و غیره نسبت داده می شود.

قابل تذکر است که : تخصیص این اماکن به زیارت اساساً در دین مقدس اسلام مشروع نمی باشد ، و زیارت کننده این اماکن نباید گمان کند که با زیارت آنها اجر و ثواب بیشتری دریافت می کند؛ چون جستجوی آثار انبیاء و صالحین سبب هلاکت امت های قبل از ما شده است، و برای مسلمانان شایسته نیست که با سنت نبوی و روش اصحاب مخالفت کنند؛ چون خیر واقعی در پیروی از سنت نبوی و اصحاب، و شر واقعی در مخالفت با آنها است.

همه مساجد از لحاظ تاریخی دارای فضایل خاصی خویش میباشند که فضیلت شان در احادیث نبوی توضیح گردیده است ، که از جمله مسجد مدینه حرم الشریف و یا مسجد قبلتین ولی سایر مساجد

مدینه منوره و فضایل آن

دیگر از لحاظ قدامت تاریخی قابل بازدید است ولی با زیارت آن مسلمان ثواب کمایی نمیکند.

الف: مسجد شجره:

این مسجد در فاصله يك فرسنگ و نیم از شهر مدینه فاصله داشت ولی اکنون با گسترش و وسعت شهر، این مسافت کمتر شده است.

این مسجد را که امروز به نامهای شجرة؛ ذوالحلیفه؛ ابیار علی مشهور است، یکی از مساجد بسیار مهم خارج از مدینه بوده و یکی از میقاتها و مساجد احرام از اهمیت بسزایی برخوردار است. وجه تسمیه این مسجد بنام مسجد شجره بدین علت است که: در جنب این درختی وجود داشت، زمانیکه این مسجد را اعمار نمودند، بنا بر موجدودیت همین درخت بنام مسجد «شجره» بین مسلمانان شهرت یافت.

یکی از عواملی بر اهمیت بودن این مسجد افزود، این بود که رسول الله صلی الله علیه وسلم در عمره حدیبیه، عمره القضاء و در حجة الوداع، در آنجا محرم شد.

ب - مسجد الحرام:

این مسجد به علتی بنام مسجد الحرام مسمی گردیده است، که حاجیان برای تشریف به حج در این مسجد الحرام می بندند، بناً بنام مسجد الحرام معروف گردیده است.

ج - ذوالحلیفه:

حلیفه نام آبی بین چشم بن بکر از هوازن و بنی خفاجه العقلین بوده که رسول الله صلی الله علیه وسلم دوست داشته اند برای بستن احرام کنار درختی در این محل فرو دآیند.

د- ابیار علی علیه السلام:

این ابیار به علتی بنام ابیار علی مسمی گردیده است که: حضرت علی علیه السلام برای آبیاری نخلستانها، چاه های فراوانی در این منطقه حفر کرده است.

پیامبر صلی الله علیه وسلم پس از اقامه دو رکعت نماز در این مکان احرام بسته و می فرمودند: « لبيك اللهم لبيك ، لبيك لا شريك لك لبيك ، ان الحمد و النعمة لك و الملك ، لا شريك لك لبيك » مطابق روایات سیرت نویسان ، پیامبر صلی الله علیه وسلم سه بار در این مکان محرم شده اند.

1- هنگام صلح حدیبیه (سال ششم هجری)،

2- عمره ناشده (سال هفتم هجری)،

3- حجة الوداع (سال دهم هجری) .

زین الدین الاستدار در سال ۹۶۱ قمری بنای مسجدی را بازسازی و اطراف آن دیوار بزرگ کشید که تا پایان دوره حضرت عثمانی همچنان پا بر جا بود.

طول این مسجد از جنوب از جنوب تا شمال ۵۲ ذراع (۲۵/۶۵ متر) و از شرق به غرب نیز به همین مقدار بوده است. در دوران ملوک اهل سعود این مسجد بطور زیبایی بازسازی شده و

مساحت آن به ۸۸۰۰۰ متر مربع میرسد. پایان

فهرست مندرج:

مقدمه

مدینه منوره

مدینه منوره مرکز ایمان است

شهر مدینه شهر هجرت است

مدینه منوره و فضایل آن

شهر مدینه شهر برکت ست
یک نماز بهتر از هزار نماز است
نمازهای نوافل در مسجد نبوی
موجودیت باغی از جنت در مسجد نبوی
زیارت قبر رسول الله
فوائد زیارت قبور
در زیارت قبور چه باید کرد؟
آیا زیارت قبر بدعت است؟
حکم زیارت قبر پیامبر صلی الله علیه وسلم در مدینه
صُفّه

تعداد اصحاب صُفّه
مشهورترین اصحاب اهل صُفّه
خانه‌های ازواج مطهرات در مسجد نبوی
روضه نبوی
منبر
محراب

ستونهای مسجد نبوی
دروازه های مسجد نبوی
مناره های مسجد نبوی
آداب مسجد نبوی

قبرستان بقیع
مساجد مشهور شهر مدینه
مسجد قُبا
مسجد قبلتین
مسجد جمعه
مسجد فضیخ

کوه احد
علتی نامگذاری این کوه به احد
فضیلت کوه احد
غزوه احد

مجروحان جنگ احد
شهادت حضرت حمزه
مساجد سبعه یا مساجد سته

1- مسجد فتح
2- مسجد حضرت علی
3- مسجد سلمان فارسی
4- مسجد ابوبکر صدیق
5- مسجد عمر بن خطاب
6- مسجد فاطمه علیها السلام ،

7- و برخی علما بدین امر معتقد اند که جمله مساجد سبعه شامل میگردد.
الف: مسجد شجره
ب - مسجد الحرام

مدینه منوره و فضایل آن

ج - ذوالحلیفه

د- ابیار علی علیه السلام

نام رساله : **مدینه منوره و فضایل آن**

تتبع و نگارش : الحاج امین الدین « سعیدی - سعید افغانی »

مدیر مرکز مطالعات ستراتژیکی افغان و

مسؤل مرکز فرهنگی دحق لاره - جرمنی

درس ارتباطی : بریبننا لیک :

saidafghani@hotmail.com

Thank you for reading

Find more e-books and articles on Ketabton - your multilingual digital library.

www.ketabton.com

Ketabton - Pashto, Farsi, Arabic & English